

An Investigation of the Effects of Alternative Sentences to Imprisonment for Financial Crimes; in Islamic Jurisprudence (Fiqh) and Iranian Law Considering Other Countries' Experiences¹

Effat Babaei

M.Sc., Public Law, Buin Zahra Branch, Islamic Azad University, Buin Zahra, Iran.
EfatBabaei@gmail.com

Abstract

The purpose of the present study is to explore the effects of alternative sentences to imprisonment in the case of financial crimes from the perspective of Islamic jurisprudence (Fiqh) and Iranian law considering other countries' experiences in this regard. The method of study is descriptive analysis and the results showed that since Hadd (limitation) punishment also includes financial crimes, there is no possibility to change or mitigate the sentence. However, the exploration of jurisprudential rules relevant to changing Hadd to Ta'zir and/or exemption of imprisonment as a sort of Hadd show that turning the punishment can be executed for the first offenders in this field. The important principle in the criminal rights called the equality of punishments is also observed by this plan and thereby the worst blow is struck against the violator managers. A survey of the legal cases in other countries having executed the same plan confirmed the positive effects of this measure. Of course, it is emphasized that in case of crime repetition, the main sentence of imprisonment and/or even capital punishment must be executed for them as it is advised in Islamic jurisprudence (Fiqh). Therefore, it is suggested to the judiciary chiefs and lawmakers in the country to take necessary measures for the official acknowledgment of the above-mentioned plan.

Keywords: Alternative Sentences to Imprisonment, Criminal Punishment, Financial Crimes, First Offender.

بررسی آثار اعمال مجازات جایگزین حبس برای جرائم مالی در فقه و حقوق ایران:
با نگاهی به تجربیات دیگر کشورها^۱

عفت بابائی

کارشناسی ارشد، حقوق عمومی، واحد بوئین زهراء، دانشگاه آزاد اسلامی، بوئین زهراء، ایران. EfatBabai@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی آثار اعمال مجازات جایگزین حبس، برای جرائم مالی در فقه و حقوق ایران و با نگاهی به تجربیات دیگر کشورها است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج نشان داد که با توجه به شمول حدّ در جرائم مالی، قابلیت تبدیل یا تخفیف مجازات وجود ندارد. اما در بررسی احکام فقهی مرتبط با تبدیل حدّ به تعزیر و یا محسوب نشدن مجازات حبس به عنوان حدّ، می‌توان برای جرم اولی‌های این حوزه، تبدیل مجازات را اعمال کرد. اصل مهم حقوق کیفری با عنوان تساوی مجازات‌ها نیز با اجرای این طرح رعایت شده و بدین صورت بدترین ضربه به مدیران متخلف وارد می‌گردد. در بررسی مثال‌های حقوقی کشورهای که طرح مشابه را اعمال کرده‌اند، آثار مثبت این اقدام تأیید شد. البته تأکید شده که در صورت تکرار جرم، می‌بایست مجازات اصلی حبس و یا حتی اعدام را برای آنان اعمال کرد که در فقه اسلامی نیز توصیه گردیده است. لذا، به مسئولین قضائی و قانون‌گذار کشور پیشنهاد می‌شود که نسبت به رسمیت قانونی طرح مذکور، اقدامات لازم را مبذول دارند.

کلیدواژه‌ها: مجازات جایگزین حبس، مجازات کیفری، جرائم مالی، جرم اولی.

امروزه بحث مجازات‌های جایگزین حبس، بیش‌ازپیش به گوش می‌خورد. مدیران و مسئولین قضائی کشور، از زیاد بودن تعداد زندانیان انتقاد داشته و هزینه‌های آنان را باری اضافه بر دوش دولت می‌دانند. در عین حال، آثار منفی زندان و زمینه‌سازی برای ارتکاب جرائم سنگین‌تر در کلام مجرمان نیز مشاهده شده و لذا انگیزه برای مجازات جایگزین حبس، به عنوان یک سیاست فرهنگی قوه قضائیه در دستور کار قرار گرفته است. اما نکته قابل توجه اینکه، تبدیل مجازات دارای محدودیت‌هایی می‌باشد. معمولاً برای جرم اولی‌هایی که شاکی خصوصی نداشته و حبس آن‌ها از نوع تعزیری باشد، مجازات جایگزین حبس اعمال شده و هدف از آن، تنبیه متهم و در عین حال از بین بردن فرصت رشد خلافکاری در فرد است. در برخی کشورها مجازات‌های جایگزین حبس محدودیت‌های کمتری داشته و هدف آن‌ها کاهش تعداد زندانیان به هر نحو می‌باشد. در روزآمدترین و معروف‌ترین مثال حقوقی، سیلویو برلوسکونی^۱ نخست‌وزیر اسبق ایتالیا با پرونده فساد مالی مجبور به کار اجباری در ایستگاه اتوبوس شد. در حقوق کشور ما که متأثر از فقه اسلامی است، برای جرائم حدی، تبدیل یا تخفیف در نظر گرفته نشده و به موجب دستورات شرع مقدس اسلام، می‌بایست به صورت دقیق اجرا شود. لذا این محدودیت مانع آن شده که مجازات جایگزین حبس برای مفسدین اقتصادی که در سال‌های اخیر به خوبی خودنمایی کرده و نام کشورمان را با فساد گره زده‌اند، مجازات جایگزین حبس اعمال شود. به عقیده حقوق‌دانان، مجازات جایگزین حبس برای مدیران دولتی متخلف، با اصل تساوی مجازات‌ها تطابق داشته و اثر تأدیبی مناسبی خواهد داشت، اما مفسرین اسلامی در این مورد دلیل روشنی اعلام نکرده‌اند.

هدف این پژوهش بررسی ماهیت فقهی و آثار مجازات جایگزین حبس برای جرائم مالی می‌باشد. در این راستا، ابتدا مبنای فقهی مشروعیت این اقدام بررسی گردیده و سپس آثار آن ضمن بررسی چند پرونده حقوقی بیان شده است. ضمن بررسی چند مثال حقوقی در خارج از کشور، اثر متصور شده اجرایی شدن این اقدام بررسی گردیده و بر مبنای آن پیشنهاداتی به مسئولین قضائی کشور داده شده است. به نظر می‌رسد که در تفسیر دقیق منابع فقهی، مجازات جایگزین حبس در جرائم مالی بی‌مانع باشد.

^۱ Silvio Berlusconi

۲- مجازات حبس

حبس در لغت به معنای بازداشتن، بازداشت (معین، ۱۳۹۱، ص ۱۴۱)، کوه عظیم (دهخدا، ۱۳۹۱، ص ۷۴۱) و زندانی کردن (عمید، ۱۳۹۱، ص ۲۱۴). آمده است. در اصطلاح کلی محدود کردن محیط زندگی و رفت و آمدهای مجرمین را حبس گویند.

با توجه به خصوصیات موارد مختلف حبس در فقه اسلامی که در حقوق کشورمان منعکس شده، به چهار دسته تقسیم‌پذیر است که عبارت‌اند از: حبس برای جلوگیری از فرار متهم، حبس‌های تعزیری، حبس‌های حدی، حبس برای فشار آوردن به متهم برای روشن شدن یا پذیرش حق (غلامی و خاکسار، ۱۳۹۸، ص ۳۰).

از انواع حبس‌های مطرح شده، صرفاً حبس‌های حدی است که دارای مصلحت تشریحیه بوده و شرایط زمان و مکان اصلتاً تأثیری بر آن نمی‌گذارد و سه گروه دیگر کاملاً تابع مصالح جامعه اسلامی و مقتضای زمان و مکان است.

در فلسفه حقوقی مجازات جایگزین حبس آمده است که: «در حبس‌هایی که هدف آن جلوگیری از فرار متهم است، کفالت ضمانت یا وثیقه جایگزین شود. البته به ترتیب اهمیت جرم یا اتهام می‌توان میزان هر یک را معین نمود و اگر اتهام از مواردی است که دارای اهمیت بسیار زیادی می‌باشد، مثلاً «قتل عمد»، دیگر گزیری از زندانی کردن متهم نیست» (والهی و احسان‌پور، ۱۳۹۵، ص ۲۵۰).

در حبس‌هایی که هدف آن تعزیر و مجازات متهم است، از مجازات‌های اجتماعی مثل استفاده از مجرمین در بیمارستان‌ها و مراکز بازپژوهی، جریمه نقدی، تعلیق و دوره‌های مراقبت به جای حبس استفاده شود (همان).

در حبس‌هایی که هدف فشار بر متهم به خاطر پذیرش یا روشن شدن حقی است، اگر مواردی مانند مجبور کردن متهم به طلاق یا سازش است، در صورت استنکاف شوهر از بازگشت به زندگی مشترک، طلاق قضایی پیشنهاد می‌شود. اما اگر هدف از حبس به دلیل اثبات اعسار مدیون یا اختفای مال است، بررسی نقل و انتقالات مالی وی در گذشته و توجه به ادله مدعی اعسار می‌تواند راهگشا باشد. چنانچه مشخص است، در جرائم حدی، به دلیل ماهیت فقهی آن، قابلیت جایگزین و تعدیل وجود ندارد. اما در اینکه آیا حبس نوعی مجازات حدی است یا خیر، قابلیت بحث دارد (مهدوی‌پور و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۳۰۰).

قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در جلسه علنی روز سه شنبه ۱۳۹۹/۰۲/۲۳ تصویب شد و طی نامه شماره ۲۸۷۵۷ مورخ ۱۳۹۹/۰۳/۲۳ از سوی رییس جمهور ابلاغ گردید. به موجب ماده یکم همین قانون، مجازات جایگزین حبس برای موارد ذیل قابل اعمال است:

در جرائم عمدی که مجازات اصلی آن‌ها تا سه ماه حبس است، تبدیل حبس به مجازات جایگزین اجباری می‌باشد. در جرائم عمدی که مجازات اصلی آن‌ها ۹۱ روز تا شش ماه حبس است، تبدیل حبس به مجازات جایگزین در صورت نبود موانع مندرج در قانون، اجباری می‌باشد.

در جرائم عمدی که مجازات اصلی آن‌ها شش ماه تا یک سال حبس است، تبدیل حبس به مجازات جایگزین در صورت نبود موانع مندرج در قانون، اختیاری می‌باشد.

در جرائم عمدی که مجازات اصلی آن‌ها بیش از یک سال حبس است، در صورتی که دادگاه حبس را به کمتر از یک سال تخفیف دهد، دیگر تبدیل حبس به مجازات جایگزین ممنوع است. ولی اگر مجازات مذکور را تخفیف ندهد، امکان تبدیل به مجازات دیگری وجود دارد. شایان ذکر است در صورتی که شخصی مرتکب چندین جرم عمدی با مجازات بیش از شش ماه حبس شود، تبدیل حبس به مجازات جایگزین ممنوع است.

در جرائم غیرعمد که مجازات اصلی آن‌ها کمتر از دو سال حبس است، تبدیل حبس به مجازات جایگزین الزامی می‌باشد.

در جرائم غیرعمد که مجازات اصلی آن‌ها بیش از دو سال حبس است، تبدیل حبس به مجازات جایگزین اختیاری می‌باشد.

شایان ذکر است که قاضی در صورت صدور حکم به مجازات جایگزین حبس، میزان حبس اولیه را هم در حکم ذکر می‌کند تا اگر اجرای مجازات جایگزین امکان‌پذیر نشود یا محکوم‌علیه از دستورهای دادگاه تبعیت نکند، مجازات اصلی (حبس) اجرا شود.

۲-۱- ماهیت فقهی

حبس را می‌توان در زمره احکام اجتماعی اسلام به شمار آورد؛ چراکه به‌نوعی با جرم، بزه و انحرافات که از پدیده‌های اجتماعی می‌باشد، مرتبط می‌باشد. حبس در دوران‌های مختلف اسلامی به‌عنوان یکی از ابزارهای فقه اسلامی مورد استفاده قرار گرفته است (طوسی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۱۴).

احادیث و روایات بسیاری نشان می‌دهد در زمان پیامبر اکرم (ص) و در زمان خلافت امام علی (ع)، هم‌چنین در زمان خلفا از حبس به‌عنوان ابزار اجرایی استفاده شده است (همان). اما آنچه در زمان حاضر بحث درباره‌ی حبس را ناگزیر می‌کند، ارتباط میان شرایط فعلی جوامع اسلامی به صورت عمومی و وضعیت کشورمان به طور خاص با استفاده از این ابزار اجرایی فقه اسلامی، یعنی «حبس» می‌باشد.

نگاهی گذرا به تاریخ اسلام و بیانات ائمه معصومین (ع) نشان می‌دهد که از دیدگاه شیعه پس از خلافت علی (ع)، احکام اجتماعی اسلام عرصه عملی و اجرایی مشروعی برای ظهور نیافته‌اند و پس از دوران تفریع (از دیدگاه شیعه اثنی عشریه) نیز جز در مواردی خاص، احکام اجتماعی اسلام، از جمله آن‌ها حبس، احکام حکومتی و موضوعات مرتبط با آن، امکان تحقق در صحنه عملی و اجرایی حکومت مشروع را پیدا نکرده است (کلینی، ۱۴۱۲ق، ج ۷، ص ۲۳۲). در این دوران (تفریع) احکام حکومتی و اجتماعی اسلام صرفاً به صورت تئوریک مورد بررسی فقهاء، علی‌الخصوص فقهای امامیه قرار گرفته و جز در مواردی محدود، این تئوری‌ها در میدان عمل آزموده نشده‌اند (همان).

در عصر حاضر، جمهوری اسلامی ایران و ایدئولوژی حاکم بر آن، که مبتنی بر فقاقت و عدالت است، به عنوان حکومتی اسلامی، برای به اجرا درآوردن احکام اجتماعی اسلام، ابتدا باید معین نماید که این احکام تا چه حد به همان صورت بنیادی و دست‌نخورده قابل اجر می‌باشد. هم‌چنین باید معین کند میدان آزادی عمل یک حکومت دینی

برای تطبیق این احکام با شرایط زمان تا چه حد است؛ آنگاه مزایا و معایب اجتماعی پدیده حبس را بررسی نموده و در صورت جواز و لزوم، جایگزین‌های مناسبی را برای آن معین نماید.

۲-۲- انواع حبس

در مورد حبس، روایات بسیاری وجود دارد که خود مبنای اظهارنظر بسیاری از فقها در این مورد قرار گرفته است. با اندکی مسامحه می‌توان این روایات و اظهارنظرهای مبتنی بر آن را در چهار گروه تقسیم‌بندی نمود.

گروه اول روایات و اظهارنظرهای فقهی ناظر بر حبس به عنوان عاملی برای جلوگیری از فرار مجرم یا متهم است، مثل حبس فرد متهم به قتل به مدت شش روز تا این‌که ولی‌دم بینه‌ای مبتنی بر قاتل بودن او بیاورد. مبنای این حبس، روایتی می‌باشد که در «الکافی» به این شرح نقل گردیده است:

«از امام صادق(ع) روایت است که پیامبر(ص) متهم به قتل را به مدت شش روز در حبس نگاه می‌داشتند تا اولیای مقتول دلیل روشنی مبنی بر قاتل بودن او ارائه کنند و اگر تا مدت مذکور چنین نمی‌کردند، حضرت متهم را آزاد می‌نمودند» (کلینی، ۱۴۱۲ق، ج ۷، ص ۳۷۰).

این حدیث مبنای اظهارنظر برخی فقهای امامیه نیز قرار گرفته است. به عنوان نمونه شیخ طوسی (طوسی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۷۷۴) و علامه حلی (علامه حلی، ۱۳۸۹ق، ج ۲، ص ۲۵۴) مطابق با مضمون این روایت اظهارنظر نموده‌اند.

گروه دوم روایات و اظهارنظرهای فقهی است که ناظر بر حبس به عنوان تعزیر و مجازات می‌باشد، مثل حبس عالم فاسق، طبیب جاهل و دلال مفلس. روایتی که مؤید حبس مذکور است، به شرح ذیل می‌باشد:

«از علی(ع) است که گفتند بر امام واجب است که علمای فاسق و اطبای جاهل و دلالان مفلس را حبس نمایند» (شیخ صدوق، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۲۰).

از فقهای متقدمین، یحیی بن سعید حلی در کتاب «الجامع للشرایع» (حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۲۰) و از متأخرین، آیت‌الله العظمی گلپایگانی در «مجمع المسائل» (گلپایگانی، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۲۰۹) مطابق با مضمون حدیث فوق نظر می‌داده‌اند.

گروه سوم آن دسته از روایات و اظهارنظرهایی است که دلیل حبس را فشار آوردن به فرد برای روشن شدن یا پذیرش حق می‌داند، مثل حبس شخصی که بدهکار است، ولی نسبت به پرداخت بدهی خود ادعای اعسار می‌نماید. روایتی که دال بر این حبس می‌باشد، به این شرح آمده:

«و علی(ع) در مورد دین، مدیون را حبس می‌نمودند، اگر حاجت و افلاس او معلوم می‌شد، پس آزاد می‌گردد تا در طلب مال برآید» (طوسی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۰۹). این حدیث با همین مضمون در کتاب «تهذیب الاحکام» نیز آمده است.

گروه چهارم روایات و اظهارنظرهای فقهی است که حبس را در امتداد حدود مطرح می‌کند، مانند حبس سارق پس از دو بار اجرای حد قطع. حدیثی که به این نوع حبس اشاره دارد، در الکافی به این شرح است:

«زراره از ابی جعفر(ع) سؤال می‌کند که اگر سارق پس از قطع دست و پا، باز هم مرتکب سرقت شد، با او چه کنیم؟ حضرت فرمودند: او را برای همیشه زندانی کنید تا مردم از شر او در امان بمانند» (کلینی، ۱۴۱۲ق، ج ۷، ص ۲۲۲).

۲-۳- حبس به عنوان یکی از ابزارهای اجرای عدالت

یکی از اقسام دسته‌بندی احکام اسلامی، تقسیم آن‌ها به احکام ثابت و متغیر است، یعنی برخی احکام اسلام به واسطه مصلحت یا مفسده‌ی دائمی، موضوع احکام پنج‌گانه می‌شوند و برخی دیگر تابع موقعیت زمان و مکان بوده و مصلحت یا مفسده آن‌ها دائمی نیست. در احکام دسته دوم وجوب و حرمت، ذاتی و فطری نیست و به صورت لاشرط اخذ نشده است. به تعبیر دیگر، احکام متغیر دارای مصلحت اجراییه و احکام ثابت دارای مصلحت تشریحیه می‌باشد. با توجه به این مقدمه و این‌که در اغلب موارد حبس از لحاظ محتوایی نمی‌تواند دارای مصلحت تشریحیه‌ی دائمی و ذاتی یاد شده، می‌توان نتیجه گرفت که در غالب موارد، حبس جزء احکام متغیر اسلامی است و تابعیت آن از شرایط زمان و مکان روشن و واضح به نظر می‌رسد (شیخ صدوق، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۱۳۰).

با توجه به اینکه حبس تابع مصالح و مفاسد جامعه اسلامی بوده و اغلب اشکال آن جزء احکام متغیر است، ذکر این نکته هم در برداشت صحیح از مبانی حبس مؤثر می‌باشد که روایات موجود در این باب فارغ از تواتر با واحد بودن و فارغ از مبنای ما دربارہ‌ی حجّیت آن‌ها نهایتاً می‌توانند بیانگر جواز حبس در موارد خاص خود باشند، اما هیچ‌گونه الزامی برای اجرای همه موارد حبس در زمان و مکان حاضر، حاصل نمی‌کنند و مصلحت یا عدم مصلحت، نقش اساسی در استفاده از آن به عنوان ابزار اجرایی با نوعی مجازات دارد.

۳- جواز جایگزینی برخی مجازات‌های حدی

علی‌رغم تفاوت‌هایی که بین حدّ و تعزیر وجود دارد، در برخی از موارد هر یک از آن دو به جای دیگری، با مرحله‌ای شدیدتر به شرح زیر جایگزین می‌شوند:

۳-۱- موارد جانشینی تعزیر از حدّ

هرگاه دو نفر همدیگر را قذف کنند، فقهای شیعه به اتفاق معتقدند که به جای اجرای حد قذف که هشتاد تازیانه است، آن دو تعزیر می‌شوند (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۸۷۷). مستند چنین سخنی، صحیحه عبدالله بن سنان از امام صادق(ع) است که حضرت در مورد دو نفری که همدیگر را متهم به زنا و لواط می‌سازند، فرمود: «حدّ از آن دو دفع می‌شود و آن دو تعزیر می‌گردند». در صحیحه ابی ولاد عن ابی عبدالله آمده است امام صادق(ع) می‌فرماید: «دو مرد را به حضور مولا امیرالمؤمنین(ع) آوردند که همدیگر را قذف کردند. حضرت حدّ را از آن دو دفع و آن دو را تعزیر نمود» (حر عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۸، ص ۵۴۱).

در صورتی که پدر فرزند خود را قذف کند، بر پدر حدّ قذف جاری نمی‌شود، بلکه تعزیر می‌شود (همان). هرگاه شوهر همسر خود را که از دنیا رفته قذف نماید، در صورتی که آن زن فرزند از شوهر دیگر نداشته باشد، حد قذف بر شوهر اجرا نمی‌شود، بلکه تعزیر می‌شود.

هرگاه کسی شخصی را قذف کند که شرایط احصان (بلوغ، عقل، حریت، اسلام، عفت) را دارا نباشد، در آن صورت بر قاذف حد جاری نمی‌شود، بلکه تعزیر می‌شود.

اگر میهمان از اموال صاحب‌خانه سرقت کند، برخی از فقهای اهل سنت معتقدند که حد از میهمان ساقط است. ابوحنیفه می‌گوید: «در مورد مهمانی که از اموال میزبان سرقت کند، مطلقاً قطع دست وجود ندارد، چه میزبان دست او را در خانه خود باز گذاشته باشد یا نه» (ابن قدامه، ۱۳۸۸، ج ۱۰، ص ۲۵۷).

۳-۲- موارد جانشینی حد از تعزیر

تکرار جرم تعزیری باعث جانشینی حد از تعزیر می‌شود. محقق حلی می‌گوید: «اگر دو نفر برهنه در زیر یک پوشش بخوابند، از سی تا نود ضربه شلاق می‌خورد و اگر تکرار شود و هر بار تعزیر شده باشند، در نوبت سوم حد بر آنها جاری می‌شود» (علامه حلی، ۱۳۸۹ق، ج ۲، ص ۳۵۴) و منظور از حد در اینجا صد ضربه شلاق است. امام خمینی نیز برای بار سوم قائل به اجرای حد بوده و نقل می‌کند که برخی از فقها در چنین فرضی قائل به قتل آنها شده‌اند (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۶۵۲). در روایت ابی خدیجه از امام صادق (ع) آمده است: «نباید دو زن زیر یک پوشش (برهنه) بخوابند، اگر به این نحو خوابیدند، باید از آن نهی گردند و چنانچه بعد از نهی، تکرار نمودند، تعزیر می‌شوند و اگر برای بار سوم تکرار نمودند، حد (صد ضربه شلاق) بر آنها جاری می‌گردد» (علامه حلی، ۱۳۸۹ق، ج ۲، ص ۵۴۸). ابوالصلاح حلبی می‌گوید: «اگر شخصی که تعزیر شده، برای بار دوم و سوم همان گناه کبیره را انجام دهد، از او خواسته می‌شود توبه کند و اگر باز بر انجام گناه اصرار ورزید، در نوبت چهارم کشته می‌شود» (همان).

از این بیانات چنین برداشت شده که در صورت اثربخش نبودن تعزیر، حد جاری می‌شود. لذا، در مجازات‌های جایگزین حبس که هدف از آن تعزیر خلافکار است، اگر این اقدام اثربخش نباشد، مجازات اصلی که همان زندان است بر وی جاری شده و می‌بایست با هدف عدم آسیب‌رسانی وی به جامعه اقداماتی اندیشید.

۴- مجازات جرائم مالی

در قانون فعلی کشور ایران، مجازات جایگزین حبس برای مجازات‌های مالی، وجاهت قانونی ندارد. این بحث در بین فقها وجود داشته که دستبرد به بیت‌المال مستوجب حد است. اما با توجه به تفاسیر فقهی مرتبط، تحت شرایطی می‌توان حد را با تعزیر جایگزین کرد. برخی دیگر از منابع فقهی زندان را مجازات حدی ندانسته و تنها مجازاتی همچون شلاق را برای حد صحیح می‌دانند. با توجه به اقوال اکثریت فقها و همچنین شرایطی همچون جرم اولی بودن یا بازگشت مال به بیت‌المال، می‌توان جرم مالی مسئولین دولتی را برای بار اول، در حیطه تعزیر دانسته و با توجه به ماهیت فقهی مجازات جایگزین حبس و مسائلی که در ادامه بیان شده است، جایگزین حبس را برای این دسته از جرائم صحیح دانست و در صورت تکرار آن، نسبت به مجازات اصلی و حتی سنگین‌تر از آن اقدام کرد (غلامی و خاکسار، ۱۳۹۸، ص ۳۵). قانون‌گذاری در این مورد دارای خلاء است.

اصل تساوی مجازات‌ها که در حقوق کشور ما پذیرفته شده و به صورت عمومی در جهان، کارایی ویژه‌ای دارد. این اصل بدین معناست که در مورد مجرمینی که در شرایط مشابه مرتکب جرم مشابه شده‌اند، باید مجازات مشابه و متساوی تعیین شود. اختلاف طبقه اجتماعی و امتیازات شخصی، نژادی، مقام علمی، شغل و ثروت نمی‌تواند موجب اختلاف و تفاوت مجازات شود. قانون کلی و عمومی بوده و شخص یا فرد معینی را نمی‌شناسد. اصل تساوی در مجازات‌ها، تبلور اصل مساوات در برابر قانون، در حوزه قوانین کیفری است. اما از نگاهی دیگر محکومیت به جزای نقدی برای کسی که قادر به پرداخت آن نیست، مجازات شدیدی محسوب می‌شود؛ در حالی که این کیفر برای مجرمی که ثروتمند است، مجازات خفیفی است. هم‌چنین زندان برای کسی که همواره در ناز و نعمت به سر برده، سنگین‌تر و غیرقابل تحمل‌تر می‌باشد تا فردی که همیشه از حیث تأمین مایحتاج اولیه زندگی در مضیقه بوده است. بنابراین، بدون تردید افراد مختلفی که مرتکب یک نوع جرم می‌شوند، دارای شخصیت و تأثیرپذیری یکسان نبوده و در نتیجه نوع مجازات می‌بایستی الزاماً تابع شخصیت بزه‌کار باشد، نه منحصراً تابع جرم ارتكابی (پرچمی و درخشان، ۱۳۹۷، ص ۵۲).

بر این اساس، برای مسئولینی که در فساد مالی نقش دارند، مجازات جایگزین حبس در هر اندازه، سنگین محسوب می‌شود، چراکه این دسته مسئولین عموماً در رفاه به سر برده و از غرور خاصی برخوردارند. دیده شدن آن‌ها در لباس خدمات عمومی، می‌تواند ضربه‌ای سنگین به شخصیت ننگین آن‌ها باشد. برای مثال نخست‌وزیر اسبق ایتالیا که هم‌اکنون نیز جزء ثروتمندان جهان محسوب می‌شود و سال‌ها از خوان نعمت دولتی کشورش بهره برده است، در طول مجازات، همچون یک رفته‌گر در محل ایستگاه اتوبوس، به خدمت‌رسانی مشغول بوده و این عمل، ضربه‌ای سخت به حیثیت او محسوب می‌شود. در چنین حالتی، به زندان افتادن وی، شاید نتواند چنین اثر تأدیبی داشته باشد. در مثالی دیگر فرض شود که یک فرد از افسار پائین اجتماعی که به جرم دزدی در زندان به سر می‌برد، به احتمال زیاد به فعالیت‌هایی همچون رفته‌گری و نظافت عمومی عادت دارد. لذا تبدیل این مجازات، برای وی نعمتی بزرگ محسوب شده و دیده شدن وی در لباس یک نظافتچی، به هیچ عنوان مجازات محسوب نمی‌شود. اما برای نخست‌وزیر معروف یک کشور، این عمل مجازاتی سنگین محسوب شده و دیده شدن وی توسط مردم، امید به اجرای عدالت را افزایش می‌دهد. لذا در مورد جرم سوءاستفاده از موقعیت شغلی، مجازات جایگزین می‌تواند بهترین گزینه محسوب شود (فتاحی زفرقندی، ۱۳۹۵، ص ۶۰).

لذا، بنابر اجماع نظر حقوق‌دانان، مجازات جایگزین حبس برای مسئولین دولتی متخلف، می‌تواند اجرای اصل تساوی مجازات‌ها باشد. لذا اجرای این طرح نه‌تنها عملی غیرقانونی نبوده، بلکه با یکی از اصول مهم حقوق کیفری سازگار است. پیش‌تر نیز ماهیت فقهی آن بررسی شده بود. با وجود آنکه در حال حاضر این طرح وجاهت قانونی ندارد، اما مورد توصیه فقه و حقوق اسلامی واقع شده است.

۵- نگاهی به تجربه برخی کشورها در مجازات جایگزین حبس

در مورد جرائم مالی، چنین عنوان شده که معمولاً بزهکاران یقه‌سفید به چنین فرایندی مشغول‌اند که در سراسر جهان کم نیستند. شناسایی چهره آن‌ها به جهانیان، می‌تواند بهترین اقدام تأدیبی باشد. حضور این دسته افراد در بین بزهکاران عادی، موجب حرکت موجب بزهکاران عادی به سمت بزهکاری یقه‌سفید شده که نمونه‌های آن فراوان است. آمار ۳۴۱۲ فقره‌ای جرائم مالی مسئولین دولتی در هلند که در سال ۱۹۹۰ ثبت شد، در سال ۲۰۱۸ به ۷۴ فقره رسید که طبیعتاً عملکرد صحیح نظام قضائی هلند را نشان می‌دهد. این کاهش تحسین‌برانگیز نشان از سیاست‌های قضائی صحیح دارد. در این کشور مدیران دولتی محکوم به فساد مالی، به مجازات‌هایی همچون رفته‌گری محکوم می‌شوند (Bamberger & Mabry, ۲۰۱۹, P.۵۲).

در چند پژوهش مدیریتی در کشور هلند، ارتباط مستقیم بین اعمال مجازات جایگزین حبس با کاهش جرائم مالی به اثبات رسید و در واقع اثربخشی این نوع مجازات‌ها تأیید گردید (همان). با نگاهی به این آمارها مشخص است که کاهش چشمگیر جرائم مالی در این کشور، به عملکرد صحیح قوه قضائیه این کشور مرتبط می‌باشد. تحلیل‌های آماری در پژوهش‌های غیرحقوقی نیز رابطه بین اعمال مجازات جایگزین حبس و کاهش جرائم را نشان داد و لذا نتیجه اینکه یقه‌سفیدها از ترس آبرو و اعتبار خود، دست به این چنین جرائمی نمی‌زنند. در یکی از نقدها آمده که یکی از ویژگی‌های این نوع مجازات‌ها، نظارت مردم بر اجرای عدالت است، بدین جهت راهی برای ظاهرسازی مجازات وجود ندارد.

در تلاش پژوهشی حقوقی توسط یک نشریه حقوقی، یک مورد مدیر متخلف چینی در بخش حسابداری شرکت گاز شهر شانگهای مشغول بود که به ۲ سال حبس محکوم شد. این فرد پس از آزادی، شرکتی برای پول‌شوئی تأسیس کرد که حدود ۲.۵ میلیون یوان را در طول شش ماه جابجا کرد. این فرد برای بار دوم محاکمه و این بار به ۲۵ سال حبس محکوم شد. این فرد حاضر به مصاحبه نشد، اما در مصاحبه با قاضی پرونده به این نکته ذکر شد که زندانی شدن این فرد، موجب گسترش فعالیت وی پس از زندان شده است. انشعاب این حرفه از طریق این فرد به اثبات نرسید، اما قاضی پرونده با معرفی یک پرونده دیگر مرتبط با پول‌شوئی و جابجایی چندین میلیون یوان که توسط شش نفر انجام شده بود، چنین عنوان داشت که این شش نفر در زندان با یکدیگر آشنا شده و یک نفر از آن‌ها پیش‌تر مدیر یکی از بانک‌ها بوده که به جرم اختلاس به زندان افتاده بود و در جریان بازجوئی به آموزش و مغز متفکر بودن این فرد، اشاره شده بود (Daniel, ۲۰۱۹, P.۵۴).

اطلاعات بیشتری از این پرونده در دست نیست. از این مثال چنین برداشت شده که حضور متخلفین مالی در زندان‌ها، می‌تواند موجب تشکیل باندهای حرفه‌ای در آینده شود که از این حیث، برای جامعه خطرناک است. لذا، ممانعت از ارتباطات بین بزهکاران، یکی از اهداف مجازات‌های جایگزین حبس بوده که در مورد جرائم مالی مسئولین دولتی، قابل بحث است. فسادهای مالی معمولاً از راه‌های پیچیده انجام شده که نوعی نبوغ در فساد محسوب می‌شود. دزدی‌های ساده معمولاً چندان به نبوغ ارتباط ندارد، اما راهکارهای دور زدن بازرسین و سپس اختلاس مبالغی از

بودجه، گاه بسیار پیچیده است. طبیعتاً این استعداد در جهت منفی می‌بایست به زوال رود و نه گسترش یابد. این مثال حقوقی به خوبی نشان داد که این قبیل استعدادها در ارتباط با افراد مشتاق به یادگیری و دارای زمینه اجرایی، می‌تواند فاجعه‌ساز باشد. لذا، مشغول کردن این دسته از افراد به مشاغل جایگزین و ارتباط آنها با قشر متوسط که به سیستم دولتی دسترسی ندارند، راه‌حل مناسبی در شیوع این گونه استعدادها می‌باشد.

رئیس یکی از بانک‌های بنگلادش که به جرم فساد مالی در سال ۲۰۱۵ در سیستم داخلی بانک با وی برخورد شد و به مدت شش ماه به عنوان نظافتچی پارکینگ بانک مشغول بود، پس از پایان این مدت به‌عنوان یک کارمند معمولی در همان بانک به خدمت خود ادامه داد. ایشان در سال ۲۰۱۸ مصاحبه‌ای با نشریه حقوقی در چین انجام داد. وی صادقانه به جرم خود اعتراف کرد و بیان نمود که غرور وی در طی این مدت شکسته شده بود. وی عنوان کرد که پس از یک ماه، خودم به این نتیجه رسیدم که دیگر غرور و شخصیتی برای من نمانده و از اذیت کردن‌های دیگر کارمندان اصلاً ناراضی نداشتم. وی عنوان کرد که در روزهای نخستین بازگشت به بانک، بارها سعی کرده که از کار خود استعفاء دهد، اما به این کار احتیاج داشت. در ادامه بیان می‌دارد که غرور و شخصیت وی نزد مسئولین بانکی شکسته شده و صورت صندوق وی چندین بار توسط رئیس چک می‌شود. حتی کارمندان جدید به سفارش مسئولین، در حسابرسی‌های مرتبط با وی، چندین بار تکرار کرده، تا بدین صورت بی‌اعتمادی ایجاد شده را کنترل کنند. وی در ادامه بیان می‌دارد که از این وضع ناراضی نیست و این را حق خود می‌داند. نکته قابل توجه در این مثال این بود که این مدیر متخلف خارج از سیستم قضائی، و توسط مافوق خود که در حیطه اختیارات اجرایی بود، تنبیه گردید. اما اثر شکسته شدن غرور در این مورد خاص کاملاً مشهود بوده و قابلیت تعمیم به دیگر موارد را دارد (Mehlhorn, 2019, P.100).

سیاست قوه قضائیه این کشورها این است که از اخراج کامل این متخلفین خودداری کند. چرا که بیکاری آنها پس از پایان محکومیت، با توجه به پیش‌زمینه آنها از سیستم اداری و راهکارهای فساد در آن، می‌تواند فساد را به بخش خصوصی منتقل کند. بکارگیری مجدد آنها در همان سیستمی که به فساد محکوم شده بود، می‌تواند نظارت بر آنها را گسترش داده و امکان تکرار جرم را از بین برد. ضمن اینکه به دلیل مشغول بودن به کار، امکان فعالیت در جای دیگر را ندارند.

مجازات جایگزین حبس برای جرائم مالی، در سال ۲۰۱۵ در شرکت نفت پاکستان اعمال شد. تا سال ۲۰۱۸، تعداد ۱۹ مدیر متخلف شناسایی شده و به عنوان مجازات جایگزین حبس، به کار اجباری خدمت‌رسانی محکوم شدند و پس از آن نیز از شرکت ملی نفت اخراج شدند. بنا به گزارشات، جرائم مالی در شرکت نفت این کشور، تا سال ۲۰۱۹، حدود ۶۳ درصد کاهش یافته است. مدیران متخلف نیز عمدتاً در بخش‌های خصوصی مشغول شده و تا تاریخ ۲۰۱۹/۱۰/۲۸ هیچ جرم جدید مالی برای آنها ثبت نشد. این گزارش چنین نشان داده که قابلیت تأدیبی و بازدارندگی برای عموم، در این مدل، تنبیه وجود دارد. این گزارش در حالی است که در طی ۱۴۵ فقره جرائم مالی افسران ارتش پاکستان بین سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۱۶ که به حکم دادگاه‌های نظامی این کشور به حبس محکوم شدند، آمار جرائم مالی

در ارتش این کشور تا سال ۲۰۱۹ تنها ۳ درصد کاهش داشت. این مثال به خوبی اثر مجازات جایگزین حبس در جرائم مالی را نشان می‌دهد (Bhuller & et al., ۲۰۲۰, P.۴۳).

همان‌طور که در ابتدا در مورد مدیر متخلف چینی صحبت شد، در سازمان‌های دولتی، تا حدودی اختیارت تنبیه بدون ارجاع به دادگاه، وجود دارد. معمولاً جابجایی به پست‌های پائین‌تر به‌عنوان یک مجازات در حیطه داخلی سازمان‌ها بوده و به نوعی با مجازات‌های جایگزین حبس شباهت دارد، ضمن این‌که به صورت بسیار ساده، قابل انجام است. لذا آثار مجازات‌های جایگزین حبس را در این موارد می‌توان بررسی نمود. طبیعتاً تغییر جایگاه یک مسئول (مثلاً کارمند عالی‌رتبه شهرداری به رفته‌گر با دستور شهردار) با مجازات جایگزین حبس دارای اثر یکسان است و تنها در مرجع صدور حکم، تفاوت وجود دارد.

در بسیاری از موارد مجازات‌های جایگزین حبس، وضعیت به‌گونه‌ای بوده که جنبه تأدیبی تقویت شود. در این باره چند مثال مهم دیگر قابل توجه است.

استاد دانشگاهی در لهستان که با یک پیتزافروشی دعوا کرده و موجب اختلال در کسب‌وکار آن گردید، چنین حکم گرفت که به مدت ۲ ماه روزانه ۴ ساعت در همان پیتزافروشی به کار اجباری مشغول شود. مدیرعامل یک شرکت مهندسی در اسپانیا که با رفته‌گر خیابان درگیر شد، چنین حکم گرفت که روزانه ۲ ساعت به‌جای همان رفته‌گر، مشغول به کار شود. در پرتغال نیز یک جرم اولی که با مسئولین آسایشگاه پدرش درگیر شد، به ۴ ساعت کار اجباری شبانه در همان آسایشگاه محکوم شد (Gerwen, ۲۰۱۹, P.۳۵).

از این مثال‌ها چنین برداشت می‌شود که قضات در صدور احکام جایگزین، به این مسائل توجه کرده که کار اجباری در همان موقعیتی که موجب اختلال شده است، می‌تواند عمق کار ناشایست آن فرد را یادآوری کند. شاید آن استاد دانشگاه که با پیتزافروشی دعوا کرده، وضعیت آن فرد را درک نکرده بود که به مجادله با وی پرداخت و یا غرور وی که به‌واسطه تدریس در دانشگاه ایجاد شده بود، وی را به چنین جدالی کشاند. اما تأکید قاضی به کار اجباری در همان محل، در مرحله نخست، غرور وی را متأثر کرده، و در مرحله دوم، مشقت کار همان فرد شاکی را به وی یادآور شده که اگر جای او قرار داشت، رفتاری بدتر از خود نشان می‌داد. از دیدگاه روانشناسی، چنین عملی، می‌تواند بیشترین تأثیر تأدیب را داشته باشد. طبیعتاً اگر این مجازات قابلیت تأدیب را نداشته باشد، چاره‌ای جز زندان رفتن فرد متخلف باقی نخواهد ماند (همان).

در تحقیقی که توسط بخش پژوهشی قوه قضائیه سلطنتی هلند در سال ۲۰۱۵ صورت گرفت، ۸۰ درصد مدیران دولتی در ۲۴ شرکت تجاری دولتی این کشور که محکومیت جزائی به دلیل فساد مالی یافته‌اند، مجدداً فساد مالی خود را در بخش‌های خصوصی تکرار کردند. اما در تحقیق مشابه دیگر که توسط قوه قضائیه نروژ در سال ۲۰۱۹ صورت گرفت، مدیران متخلف شرکت‌های نفتی که مجازات جایگزین حبس با لحاظ حفظ موقعیت شغلی گرفتند، ۲۴ درصد مجدداً به فساد مالی دست زدند که مشمول زندان شدند. اما ۷۶ درصد دیگر به این اقدامات دست نزدند که جای بس امیدواری است (Ismaiel, ۲۰۲۰, P.۵۴۳).

از این گزارش‌ها چنین برداشت شده که اثر تأدیبی مجازات جایگزین بسیار بیشتر بوده است. نکته قابل توجه این که در مطالعه کشور نروژ، مدیران متخلف، تنها از پست مدیریتی عزل شده و پس از مجازات جایگزین، مجدداً در همان شرکت به عنوان کارمند بدون پست، به ادامه کار مشغول شدند. نکته قابل توجه این که شناسایی این مدیران به عنوان مفسد اقتصادی، اعتماد مسائل مالی بدان‌ها را کاهش داده و طبیعتاً رفتار جدید همکاران، می‌تواند مانع ایجاد موقعیت جدید برای فساد مالی شود. چنین عنوان شده که در صورت اخراج کامل از شرکت، احتمالاً به فعالیتی خصوصی وارد شده که زمینه برای کارهای ناتمام مرتبط با فساد اقتصادی فراهم است. اما اشتغال مجدد آن‌ها در شرکت، با لحاظ سابقه منفی، مانع گسترش چنین موردی شده است.

قوه قضائیه عراق از سال ۲۰۱۷ مجازات جایگزین حبس را به تمام واحدهای دادگستری این کشور ابلاغ کرد. تا سال ۲۰۱۹، ۲۳۱ مورد مدیر متخلف با جرائم مالی به مجازات خدمت اجباری در عتبات عالیات مشغول شده و مجدداً بدون داشتن پست مدیریتی به محل کار خود بازگشتند. در بررسی صورت گرفته تا سال ۲۰۲۰ از این تعداد حدود ۵ مورد تخلف جدید ثبت شد که آن‌ها را روانه زندان کرد. این گزارش در کردستان عراق، از بین ۱۴۵ مدیر متخلف مالی، بازگشت ۱۵ نفر آن‌ها را به دنیای جرم، تأیید می‌کند. در این گزارش به خوبی نشان داده شده که در این کشور، به صورت نسبی، موجبات تأدیب مجرمان مالی فراهم شده است (Ouellet, ۲۰۱۹, P. ۶۴۰).

نظام اداری عراق یک نظام فربه بوده که امکان انجام فسادهای مالی در این قبیل کشورها که در عین حال دارای درآمدهای کلان نفتی می‌باشند، زیاد است. تعداد بالای کارمندان دولتی این کشور، ضمن وابستگی به دلارهای نفتی، زمینه‌ساز فسادهای زیادی در این کشور بوده که پس از سقوط حزب بعث عراق (۲۰۰۳م) گسترش یافت. آمارها نشان داده که اولاً شناسایی متخلفین مالی به مردم و سپس پائین آوردن شخصیت آن‌ها نزد همان مردم، می‌تواند اثر مناسبی در عدم تکرار جرم داشته باشد. ضمن اینکه اثر تأدیبی این اقدام برای دیگر افرادی که در حال حاضر به چنین جرائمی دست زده و هنوز شناسایی نشده‌اند، زیاد است. با دیدن هم‌قطارهایی که با شخصیت پائین به اعمال کارهایی پرداخته که پیش‌تر از انجام آن بیم داشتند، اثر تحذیری برای هم‌قطارها ایجاد می‌کند.

در یک مثال حقوقی در کشور ما، فردی به نام ف. ک. در سال ۱۳۸۴ مبالغ کلانی وام به عنوان راه‌اندازی کارخانه تولیدی گرفته بود و در پروژه سنگین انبوه‌سازی وارد شد. پس از گزارش این مورد، بانک دستور بازپرداخت تمامی مبالغ وام را صادر کرد و چون شرکای وی از ایران گریختند، ایشان به زندان افتاد و ضمن مصادره اموال به ۵ سال حبس محکوم شد. این فرد به واسطه چنین سوءپیشینه‌ای، از دیگر فعالیت‌ها منع شده بود و پس از یک سال به‌ناچار با شرکتی دیگر که قصد داشت عملی مشابه همین اقدام را انجام دهد، آشنا شده و عامل گرفتن وام شد. اما این پروژه نیز توسط واحدهای امنیتی شناسایی شد و مجدداً در سال ۱۳۹۲ ف. ک. محاکمه شد. نکته قابل توجه این که آشنایی با یکی از اعضای این شرکت، در زندان صورت گرفته بود و منشاء اقدام جدید، پس از ناامیدی از یافتن کار جدید شد. در اینجا دو نکته قابل توجه است. سوءپیشینه وی به عنوان مفسد اقتصادی، زمینه برای عدم اشتغال وی را فراهم کرد که مجبور شد مجدداً همان رویه اشتباه را تکرار کند. حتی اگر وی به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌شد، به

دلیل داشتن سوء پیشینه، باز هم احتمال وقوع تکرار جرم وجود داشت. اما نکته قابل توجه این که آشنایی با شرکت دوم در زندان صورت گرفت که در صورت عدم حبس وی، احتمال تکرار این حادثه کمتر بود (Salmi, ۲۰۲۰, P. ۲۳۰).

۶- نتیجه گیری

مجازات جایگزین حبس برای جرائم مالی می تواند جنبه تعزیری و تأدیبی داشته و می بایست در سیستم قضائی کشور از آن بهره برد. چنانچه این امر در کلام معصومین (ع) و روایات ایشان مشهود است. لذا مانعی که بر سر راه تبدیل مجازات جرائم مالی مطرح بوده همان بحث حد است که تحت شرایطی می توان آن را تعزیر دانست و در عین حال، به عقیده فقها، زندان جزء مجازات حدی محسوب نمی شود. لذا تبدیل مجازات مدیران دولتی متخلف مالی، دارای مبنای فقهی بوده، اما قانون گذار کشور در این باره صراحت به خرج نداده است. از دیدگاه حقوقی، اصل مهم حقوق جزائی با عنوان تساوی مجازات ها، با وجود ظاهر ساده آن، چنین اقدامی را تأیید کرده و آن را مطابق با اصول حقوق کیفری می داند. طبیعتاً تخریب شخصیت پوشالی مسئول دولتی فاسد، می تواند جنبه های عبرت دیگران را تقویت کرده و در عین حال، مجازات سنگینی برای وی محسوب شود. لذا، از دیدگاه فقهی و حقوقی، تبدیل مجازات مجرمین مالی، قابل تأیید است. از دیدگاه اجتماعی، بررسی نمونه های اجرا شده در دیگر کشورها، تجربیات موفق را نشان داده اند. با توجه به این که اختلاس های مالی نیازمند مهارت و اشراف به سیستم اداری است، آموزش آن در زندان ها می تواند برای جامعه فاجعه بار ارزیابی شود. همچنین توصیه شده که مدیران متخلف پس از گذراندن دوره محکومیت، به عنوان کارمند بدون پست در همان اداره مشغول به کار شوند تا بدین صورت ضمن بی اعتمادی به آن ها، قدرت انجام اختلاس أخذ شده و در عین حال مانع از تغییر رویه آن ها در سیستم مشابه شد. لذا اثر اجرای طرح پیشنهادی پژوهش کنونی، از دیدگاه اجتماعی نیز مفید ارزیابی می شود. البته تأکید شده که در صورت تکرار جرم می بایست مجازات های سخت تر شامل زندان و حتی اعدام را برای متخلفین صادر کرد. بر همین مبنا به مسئولین قضائی و قانون گذاران کشور توصیه شده که قانون مجازات جایگزین حبس را برای مسئولین دولتی متخلف مالی که تاکنون سابقه این امر را نداشته اند، مصوب کنند.

قرآن کریم.

۱. ابن قدامه (۱۳۸۸ق). *المغنی*. قم: دارالقلم، چاپ چهارم، ج ۱۰.
۲. پرجمی، داود؛ درخشان، فاطمه (۱۳۹۷). *بررسی مجازات‌های اجتماعی جایگزین حبس و کاهش جرم*. *مطالعات جامعه‌شناسی*، ۴۰(۱)، ص ۴۹-۶۸.
۳. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲ق). *وسائل الشیعه*. قم: آل‌البیت(ع)، چاپ سوم، ج ۱۸.
۴. حلی، احمد بن ادریس (۱۴۰۸ق). *السرائر*. قم: موسسه النشر الاسلامی، ج ۳، چاپ دوم.
۵. خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۹). *تحریر الوسیله*. قم: دارالقلم، چاپ سوم، ج ۲.
۶. دهخدا، علی اکبر (۱۳۹۱). *فرهنگ لغت*. تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
۷. شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۴ق). *من لایحضره الفقیه*. قم: جماعه المدرسین، ج ۳، چاپ دوم.
۸. طوسی، ابوجعفر (۱۴۱۰ق). *النهایه*. قم: نشر قدس، چاپ دهم، ج ۱.
۹. علامه حلی (۱۳۸۹ق). *تحریر الاحکام*. قم: آل‌البیت(ع)، چاپ دهم، ج ۲.
۱۰. عمید، حسن (۱۳۹۱). *فرهنگ لغت*. تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
۱۱. غلامی، حسین؛ خاکسار، داود (۱۳۹۸). *عوامل مؤثر بر صدور مجازات‌های جایگزین حبس*. پژوهش حقوق کیفری، ۷(۲۶)، ص ۹-۴۰.
۱۲. فتاحی زفرقندی، سجاد (۱۳۹۵). *بررسی مجازات‌های جایگزین حبس در اسناد بین‌المللی و ایران و کشورهای مختلف جهان*. *مطالعات حقوق*، ۱(۱)، ص ۵۳-۷۰.
۱۳. کلینی، محمد (۱۴۱۲ق). *کافی*. تهران: مطبعه الاسلامیه، چاپ سوم، ج ۷.
۱۴. گلپایگانی، سید محمدرضا (۱۴۱۱ق). *مجمع المسائل*. قم: دارالفکر، چاپ پنجم، ج ۳.
۱۵. معین، محمد (۱۳۹۱). *فرهنگ لغت*. تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
۱۶. مهدوی‌پور، اعظم؛ دارایی پناه، شهین؛ شهرانی کرانی، نجمه (۱۳۹۷). *بررسی جایگزین‌های زندان با تکیه بر دیدگاه زندانبان*. پژوهش حقوق کیفری، ۶(۲۳)، ص ۲۸۱-۳۱۷.
۱۷. والهی، حمید؛ احسان‌پور، سیدرضا (۱۳۹۵). *جایگاه جایگزین‌های مجازات حبس با رویکرد فردی کردن آنها در نظام عدالت کیفری ایران*. *مجلس و راهبرد*، ۲۳(۸۵)، ص ۲۴۸-۲۷۸.

۱۸. Bamberger, M. & Mabry, L. (۲۰۱۹). **RealWorld evaluation: Working under budget, time, data, and political constraints**. SAGE Publications, Incorporated.

19. Bhuller, M., Dahl, G.B., Løken, K.V. & Mogstad, M. (2020). Incarceration, recidivism, and employment. *Journal of Political Economy*, 128(4).
20. Daniel, M. (2019). **Alternative measures to imprisonment in the criminal law of the Republic of Moldova**. London: Itiza publication.
21. Gerwen, N.V., Blokland, A. & Rijken, A.J. (2019). Assessing the Accuracy of Life Event Calendar Data in an Offender Sample. *Justice Quarterly*, 36, P.30.
22. Ismail, N. (2020). **The politics of austerity, imprisonment and ignorance: A case study of English prisons**. Paris: Algeria publication.
23. Mehlhorn, H. (2019). **Important Rivers and Their Worldwide Contributions to Epidemics on the Continents**. In: Parasite and Disease Spread by Major Rivers on Earth (pp. 1-11). Springer, Cham.
24. Ouellet, F. (2019). Stop and go: Explaining the timing of intermittency in criminal careers. *Crime & Delinquency*, 60(5), P.630-656.
25. Salmi, E.F., Malinowska, A. & Hejmanowski, R. (2020). Investigating the post-mining subsidence and the long-term stability of old mining excavations: case of Cow Pasture Limestone Mine, West Midlands, UK. *Bulletin of Engineering Geology and the Environment*, 79(1), P.220-242.